

تبیین رابطه‌ی سواد تربیتی با هویت حرفه‌ای نومعلمان

(مورد مطالعه: استان لرستان ۱۴۰۰-۱۳۹۹)

حسن اسماعیل‌زاده*

دکترای جامعه‌شناسی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سواد تربیتی با هویت حرفه‌ای نومعلمان استان لرستان انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی، و از نظر گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه نومعلمان استان لرستان بود، که با بهره‌گیری از فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۲۵۵ نفر تعیین گردید، نمونه آماری به شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای از مناطق مخلف آموزشی در استان، انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های آماری از پرسشنامه‌های محقق ساخته هویت حرفه‌ای و سواد تربیتی در دو بعد نگرش و روش تربیتی با روایی صوری و محتوایی قابل قبول و پایایی بالای ۰/۷۰ استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری از نرم افزار SPSS استفاده شد. یافته‌ها نشان داد؛ میانگین نمره نومعلمان در تمامی ابعاد متغیرهای هویت حرفه‌ای و سواد تربیتی در حد متوسط بود. در مولفه‌های برخورد با دانش آموزان خاطی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات میانگین در حد زیاد و در ارتباط با ابعاد ایجاد روحیه همکاری، مسئولیت پذیری، هویت ملی-مذهبی، حقوق اجتماعی-مدنی، آشناسازی دانش مربوط به متغیر سواد تربیتی از میانگین در حد کمتر از متوسط برخوردار بودند و مولفه‌های در نظر گرفتن خود به عنوان یک معلم و اطمینان به معلم خوب بودن از هویت حرفه‌ای نومعلمان در حد پایین تر از متوسط قرار داشت. می‌توان نتیجه گرفت لزوم بازنگری در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های درسی مبتنی بر تغییر نگرش تربیتی و آموزش روش‌های تربیتی جهت افزایش سواد تربیتی معلمان و بازنگری در جذب نیروهای آموزشی بیشتر از گذشته نمایان می‌شود.

واژگان کلیدی: هویت حرفه‌ای، سواد تربیتی، نومعلمان، استان لرستان

مقدمه

در گذشته نه چندان دور، سواد به توانایی خواندن و نوشتن در سطح متوسط اطلاق می‌شد، به طوریکه کسانی که توانایی خواندن و نوشتن را دارا بودند، افراد باسواد و مقابل آن بی سواد اطلاق می‌کردند. اندیشمندان سواد را شالوده‌ی آگاهی‌ها و تفکر انسان می‌دانند. طبق تعریف، سواد به طیفی از توانمندی‌های مورد نیاز برای برقراری ارتباط با دیگران از طریق گفتگو، خواندن، نوشتن و استفاده از ریاضیات اطلاق می‌شود که با به کارگیری رسانه‌ها و فن آوری‌های مختلف به ظهور می‌رسد و هدف آن ارتقای زندگی روزمره، مشارکت جمعی، حل مسائل بشری و توسعه‌ی ظرفیت‌های فردی و اجتماعی انسان و جامعه‌ی او است (عظیمی، ۱۳۹۸: ۵).

سازمان ملل در دهه دوم قرن ۲۱ با تغییر ماهوی در تعریف سواد، آن را شامل مهارت‌هایی دانست که داشتن این توانایی‌ها و مهارت‌ها مصداق باسواد بودن قرار گرفت. با این حال و به تازگی «یونسکو» یک بار دیگر در تعریف سواد تغییر ایجاد کرد. در این تعریف جدید، توانایی ایجاد تغییر، ملاک باسوادی قرار گرفته است به طوری که شخص باسواد باید قادر باشد با استفاده از خواننده‌ها و آموخته‌های خود، تغییری در زندگی خود ایجاد کند. یکی از مهارت‌های ۱۲گانه مورد نظر سازمان ملل، سواد تربیتی است. بر اساس تعریف سازمان ملل، سواد تربیتی سواد تربیتی عبارت است از توانایی تربیت فرزندان به نحو شایسته (یونسکو، ۲۰۱۲). همه فرهنگ‌های جوامع بشری محصولی از نظام تربیتی است، در واقع از آن جا که هر جامعه‌ای، تصویری از انسان تربیت یافته مطلوب خود ترسیم می‌نماید، معنا و غایت معینی برای تربیت در نظام ارزشی خود قائل است، لذا می‌کوشد تا افراد را بر اساس این تصور و معنا تربیت کند. در سند تحول بنیادین تربیت به معنای "فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته‌ی هویت متربیان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد" تعریف شده است و هدف کلی تربیت این گونه تعریف شده است: "تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان به گونه‌ای که بتوانند در موقعیت خود و دیگران در هستی، را به درستی درک و آن را به طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی متناسب با نظام معیار اسلامی اصلاح نمایند". بنابراین پرداختن به سواد تربیتی به این دلیل حائز اهمیت است که کیمیای تربیت، ممکن است با عدم اطلاع و دانش کافی و سهل انگاری‌ها، تبدیل به خاکستر گردد و همه چیز را با خود به انهدام و نابودی بکشاند. به طور قطع یکی از نظام‌های مسئول در تربیت و پرورش انسانها در هر جامعه‌ای، نظام آموزش و پرورش است و یکی از بنیادی ترین عناصری که نظام آموزش و پرورش بر پایه‌ی آن استوار بوده معلم است، به طوری که در سال‌های اخیر اغلب متخصصان و سیاست‌گذاران تربیتی هر چه بیشتر دریافته‌اند که در مقایسه با سایر عوامل سخت افزاری و نرم افزاری هرگونه اصلاح و

پیشرفت در تربیت فرزندان، به طور مستقیم به کیفیت عملکرد تربیتی معلمان وابسته بوده است. (قهرمانی فرد، عباس زاده، ۱۳۹۷)

تحقیقات استنبرک، کارلسون و مارانن^۱ (۲۰۱۴) نشان می دهد تدریس اساساً امری تربیتی است و معلمان بیشتر از هرچیز، عاملان تربیتی هستند. اینکه معلم به نقش خود به عنوان اساسی ترین عامل پرورش انسان آگاه باشد، بسیار مهم است به طوری که اساس کفایت های تربیتی یک معلم، هسته اصلی هویت حرفه ای معلمان را تشکیل می دهد. بنابراین می توان گفت تعبیر خویشتن معلمان (کرتیج و همکاران ۲۰۰۴) می تواند با سواد تربیتی آنان ارتباط داشته باشد. موضوعی که در دهه اخیر، مهمترین حوزه های تحقیقاتی در حیطه ی نقش معلمی بوده است. هویت حرفه ای^۲ معلمان به عنوان درکی که معلمان از خود به عنوان یک فرد حرفه ای دارند، محسوب می شود (تیکل، ۲۰۰۳) و می توان گفت هویت حرفه ای تحت تأثیر مفاهیم و انتظارات دیگران در نظر گرفته می شود از جمله تصاویر گسترده ای که در جامعه پذیرفته شده در مورد آن چه معلمان باید بدانند و انجام دهند (بیچارد و ورلپ، ۲۰۰۴). اما باید توجه داشت که "هویت حرفه ای یک نهاد ثابت و پایدار نیست به طور مداوم در حال تغییر است و یک روند فعال و مداومی دارد. همچنین این که هویت حرفه ای نه تنها توسط ویژگی های شخصی معلمان، مدت زمان یادگیری و و تجارب قبلی تحت تاثیر قرار می گیرد بلکه همچنین توسط شرایط و زمینه های حرفه ای شامل همکاران، دانش و مهارت ها و نگرش ها و آموزشی هم تاثیر می پذیرد (اولسن^۳، ۲۰۲۰). بنابراین هویت حرفه ای معلم مفهومی است که با فلسفه تدریس، رویکرد تدریس، فعالیت تربیتی در حیطه ی دانش، نگرش و عمل تربیتی که در مجموع، سواد تربیتی است، مربوط می باشد. شناخت و دستیابی به چیستی، چگونگی و ارتباط سواد تربیتی با هویت حرفه ای معلمان، می تواند به بهبود سیاست گذاری های خرد و کلان آموزشی و تربیتی در آموزش و پرورش و دانشگاه های فرهنگیان بیانجامد. تحقیق حاضر قصد دارد ضمن بررسی وضعیت سواد تربیتی و هویت حرفه ای نو معلمان در استان لرستان، به بررسی رابطه ی دو متغیر مذکور بپردازد. نومعلم فردی آموزش دیده است که برای راهنمایی و جهت دهی تجارب آموزشی دانش آموزان رسماً مأمور گردیده است. وی آخرین حلقه در عملی سازی نظریه های تربیتی و واسطه ی نظام آموزش و پرورش و دانش آموزان است؛ بنابراین مهمترین شخص در فرایند اجرای برنامه ی آموزشی و تربیتی قلمداد می شود (نولان، ۱۳۹۵: ۵۳). تحقیقات نشان داده است که بسیاری از کفایت های حرفه ای معلمی که ضامن توسعه و شکل گیری هویت حرفه ای معلمان است در دوران تربیت آنان برای احراز شغل معلمی آموزش داده می شود و بنابراین شناخت وضعیت نومعلمان می تواند به برنامه ریزی های آموزشی یاری رساند.

¹Stenbergk.karlsson,I.,pitkaniemi.h.& Maaranen,K

² Professional identity

³ Olsen

پیشینه نظری و تجربی

سواد تربیتی: در ارتباط با مفهوم سواد باید گفت تعاریف گوناگون و گاه متضادی از سواد ارائه شده است. برخلاف تصور، مفهوم سواد مفهومی گیج کننده و درعین حال بحث برانگیز است به طور کلی تعاریف گوناگون سواد را می‌توان در قالب دو رویکرد متفاوت موردبررسی قرارداد: رویکرد «ایدئولوژیکی» و رویکرد «مستقل از بافت». سواد در رویکرد مستقل از بافت با توانایی های ذهنی خاصی ارتباط دارد و این توانایی‌ها در بافت‌های، اجتماعی و شرایط گوناگون، کاربرد یکسانی دارند. در این برداشت، سواد توانایی خواندن و نوشتن تعریف می‌شود و باسواد بودن نیز به معنای داشتن قابلیت استفاده از مواد و متون مکتوب و نیز مهارت های فنی مرتبط با رمزگردانی و رمزگشایی است. بر پایه این دیدگاه، سواد امری است بدون جهت گیری و می‌تواند برای هر نوع هدفی، خوب یا بد و شخصی یا جمعی به کار رود. همچنین، هنگامی که افراد باسواد می‌شوند، می‌توانند از آن برای یادگیری‌های بعدی استفاده کنند و یا در زندگی روزمره از آن بهره گیرند. این واقعیت در طول دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی به رویکرد دیگری از سواد منجر شد که امروزه در حوزه تعلیم و تربیت پذیرفته شده است و رویکرد به سواد ایدئولوژیکی نامیده می‌شود. در این دیدگاه، سواد به مجموعه‌ای از قابلیت‌ها اشاره می‌کند که بسیار فراتر از خواندن و نوشتن هستند و به جای آن‌که تنها به معنای خواندن و نوشتن متون مکتوب باشد، به معنای رمزگردانی و رمزگشایی اطلاعات در تمام اشکالی است که بشر برای انتقال معنا به کار می‌گیرد. (سواد چندگانه گفتاری، نوشتاری، شنیداری، خوان داری و دیداری) همچنین، تأثیر فناوری‌ها و شیوه های جدید پردازش اطلاعات را نیز مدنظر دارد. به عبارت دیگر، به دست آوردن سواد مستلزم به دست آوردن طیف گسترده‌ای از مهارت‌ها و دانش‌هاست که برای استفاده از انواع اطلاعات و پردازش آن و نیز واکنش در برابر دگرگونی‌های جامعه ضروری است. علاوه بر این، قابلیت چندگانه سواد مبتنی بر رویکرد ایدئولوژی متاثر از بعد اجتماعی-فرهنگی هر جامعه یا به بیان روشن تر متأثر از ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های جامعه است و نمی‌تواند بدون جهت یری باشد (استریت^۴، ۲۰۱۸).

در طی دهه‌های اخیر، پژوهشگران موفق به کشف و معرفی بیش از ۳۴ نوع سواد مفید و مدرن شده‌اند که سواد علمی به معنای مصطلح در نظام آموزشی ما، تنها یکی از آن‌ها محسوب می‌شود. از جمله سوادهای مفید و مدرن می‌توان به سواد فرهنگی، سواد اجتماعی، سواد سیاسی، سواد رسانه‌ای، سواد خبری، سواد تبلیغاتی، سواد علمی، سواد اطلاعاتی، سواد بصری، سواد هنری، سواد خواندن، سواد فناوری، سواد تربیتی، سواد محیط زیست، سواد ارتباطی، سواد عاطفی و اشاره کرد؛ که هر یک تعریف، استانداردها و راهکارهای توسعه خویش را دارند.

⁴ Street

سواد تربیتی عبارت از توانایی تربیت فرزندان به نحو شایسته است به گونه ای که بتوانند طی فرایند اجتماعی شدن با جامعه سازگار شوند که این امر مستلزم تقویت روحیه همکاری و روشن بینی در برخورد با افکار و عقاید مخالف، رغبت برای انجام کارهای جمعی، قبول مسئولیت در کارهای جمعی، تمایل به معاشرت با دیگران و احترام به عقاید دیگران است (طالب زاده و همکاران، ۱۳۹۱) آنچه در سواد تربیتی مورد تاکید و بررسی است نقش تربیت، نگرش و دانش تربیتی است.

فیلسوفان و جامعه‌شناسان و عالمان علوم تربیتی با گرایش‌های مختلف، اقدام به تعریف تربیت کرده‌اند به گونه‌ای که به ندرت می‌توان به تعریف واحدی دست یافت. افلاطون تربیت را عبارت از رساندن جسم و روح به بالاترین پایه کمال و جمال می‌داند، به نظر اسپنسر، تربیت مهیا کردن انسان است برای زندگی کامل است. ژان آموس کمینوس می‌گوید: آموزش و پرورش هنری است که افراد را برای زندگی آماده می‌کند و هدف این است که فرد دارای دانش، اخلاق و دین شود (منادی، ۱۳۹۰: ۷۸). دورکیم در این خصوص می‌گوید: تربیت عملی است که نسلهای بزرگسال بر روی نسلهایی که هنوز برای زندگی اجتماعی پخته نیستند انجام می‌دهند و هدف آن این است که در کودک شماری از حالات جسمانی و عقلانی و اخلاقی را برانگیزد و پرورش دهد که جامعه سیاسی بر روی هم و نیز در محیط ویژه ای که فرد به نحو خاصی برای آن آماده می‌شود، اقتضا می‌کنند (منادی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). سیف (۱۳۹۳) تربیت را از فرایندی منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری، هنجارهای مورد پذیرش جامعه و همچنین کمک به شکوفا شدن استعداد های آنان است، می‌داند بطوریکه دارای اصول و قوانین مهمی است. اصول تعلیم و تربیت، مفاهیم، نظریه ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیاء فرهنگ و والدین دانش آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد. اصل منشأ انتخاب روش است. روش راه یا طریقی است که بین اصول و هدف امتداد دارد و عمل تربیتی را منظم می‌گرداند و سبب می‌شود که معلم به هدفش برسد؛ این اصول عبارتند از: ۱- اصل فعالیت، ۲- اصل کمال، ۳- اصل آزادی، ۴- اصل سندیت ۵- اصل تفرد ۶- اصل اجتماع (شریعتمداری، ۱۳۹۵). در تربیت باید به رشد همه جانبه و متوازن شخصیت متربی در ابعاد عقلی، عاطفی، حرکت اجتماعی، اخلاقی، هنری در جهت وصول به اهداف فرهنگی جامعه توجه داشت. نگرش محدود در تربیت نمی‌تواند تربیت کنندگان را به هدف برساند. تربیتی درست است که انسان را با تمامی ابعادش هدف قرار دهد نه در بعدی یا ابعادی محدود. مهمترین ابعادی که میتوان برای زندگی روانی انسان برشمرد عبارت اند از: ۱- بعد شناختی یا عقلانی به طوریکه یکی از هدف های تعلیم و تعلم و تربیت عبارت است از تعالی دادن و گسترش قوای عقلانی کودکان، به این معنا که از شخص تحصیل کرده انتظار م‌پرود که کارها و عملکردها منطبق با موازین عقلانی و منطقی باشد. در تربیت شناختی باید فرزند انسان را در استفاده ی گسترده و همه جانبه از توانمندی های ذهنی

اش، یعنی استفاده از حافظه و جنبه‌های گوناگون آن، استفاده از استدلال و تفکر منطقی و نیز گسترش خلاقیت، یاری کند و ضمن توجه به سایر ابعاد شخصیت انسان باید بعد شناختی او را تا حد امکان پرورش دهد (کاردان و همکاران، ۱۳۹۸).

۲- بعد عاطفی: از ابعاد دیگر تربیت، بعد عاطفی آن است. این بعد دارای ظرافت‌ها و دقایق خاصی است. این بعد باعث برانگیختن مرتبی برای انجام عمل و یا ترک آن می‌شود؛ یعنی قوه محرکه برای انجام یک فعل است. بعد عاطفی تربیت، انگیزه لازم برای عمل را فراهم می‌آورد (احمدی، ۱۳۹۶).

۳- بعد حرکتی: تربیت جسمانی، در حقیقت مرتبی را برای فعالیت‌های دیگر آماده می‌سازد و زمینه شکوفایی جوانب مختلف روحی و معنوی، عقلانی و اخلاقی انسان را فراهم کند. توجه به بعد حرکتی جسمانی انسان در تربیت، یعنی سالم و متعادل نگهداشتن جسم و حرکات نیز از جمله وظایف تربیتی است (القرایی، ۱۳۹۸).

۴- بعد اجتماعی: شخصیت انسان بر رفتارهایی تأکید دارد که در ارتباط او با دیگران سهم مهم بر عهده دارند. انسان چنان به جامعه و انسانهای دیگر وابسته است که برخی اجتماعی بودن آدمی را ذاتی او دانسته‌اند و او را مدنی بالطبع نامیده‌اند. بنابراین از مهم‌ترین ابعاد تربیت انسان، توجه به حضور او در بین افراد جامعه و مشارکت‌های گروهی می‌باشد (دانشمند، ۱۳۹۷).

۵- بعد فرهنگی-اخلاقی: یکی از موضوعات مهم در تعلیم و تربیت انسان پرورش جنبه اخلاقی و فرهنگی است. تأمین نیازهای روحی فرد و آشنایی او با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است. شکل‌گیری هویت ملی، اجتماعی و هویت فردی و دینی در این مرحله انجام می‌پذیرد (اولسون، ۲۰۱۶).

وجود نظریه برای تربیت لازم تلقی می‌شود. کوتگ^۵ (۲۰۰۱) در تعریف نظریه تربیتی بیان می‌کند: مجموعه‌ای از گزاره‌های عام که عملیات موسسه‌ای هم‌چون مدرسه یا موقعیتی هم‌چون تدریس و یادگیری را تبیین می‌کنند. این گزاره‌ها بسیار انتزاعی و کلی هستند؛ به گونه‌ای که می‌توان آنها را در خصوص موقعیت‌هایی متفاوت یا خاستگاه‌های مستقیم آنها تعمیم داد و اعمال کرد. تاریخ تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که از دیر باز دست کم درپاره‌ای از تمدن‌ها، مثل تمدن یونان باستان، تمدن اسلامی، یا تمدن جدید در عصر صنعتی و فرا صنعتی فعالیت‌های عملی تعلیم و تربیت در چارچوب آموزه‌های نظری خاصی صورت گرفته که اهل فن آن را نظریه تعلیم و تربیت نامیده‌اند. نظریه‌های تعلیم و تربیت زمینه‌های فعالیت‌های عملی تعلیم و تربیت را فراهم می‌کنند، و به فرایند تعلیم و تربیت نظم و انسجام و جهت می‌بخشند. افزون بر این، نظریه تربیتی تا حدودی نوع منش، شخصیت و صفاتی را که متعلمان باید دارا باشند و نیز نوع دانش و بینشی که شایسته است فراگیرند، تا حدودی مشخص می‌کند. کوتگ، نظریه‌های تعلیم و تربیت را با توجه به خاستگاه آنها به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱- نظریه‌های انشاقی که از

⁵ Coatgt

حوزه‌های وسیع‌تر دانش و معرفت بشری مانند مکاتب و دیدگاه‌های فلسفی نشأت می‌گیرند. گاهی اوقات خود این فلسفه‌ها، با قدری مسالحه، نظریه تربیتی خوانده شده‌اند، هم چون نظریه تربیتی افلاطون در جمهوری ۲- نظریه‌های عکس‌العمل گونه یا واکنشی شامل مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها، مفاهیم و اصول تربیتی است که به منظور مقابله با این موقعیت خاص اجتماعی و اقتصادی به ظهور می‌رسند. ۳- نظریه‌های برگرفته از عمل به مجموعه مفاهیم، رویکردها، و اصول تربیتی گفته می‌شود که ارزش و اعتبار خود را در عمل به ثبوت رسانده باشند، مانند نظریه "مدارس کار آمد" که از پاره‌ای اعمال و روش‌های تربیتی موفق سرچشمه گرفته است (گوتک، ۱۳۹۰: ۲۵).

هویت حرفه‌ای: برداشت‌های متفاوتی از هویت حرفه‌ای معلمان وجود دارد که شامل موارد زیر است ۱- ماهیت پیچیده حرفه معلمی- ۲ توسعه حرفه‌ای معلم ۳- درک ما از یادگیری حرفه معلم، هویت حرفه‌ای اغلب به عنوان معلمی که آرزو دارند باشند تعریف می‌شود (قدرت فر، ۱۳۹۵).

مور و هافمن (۲۰۱۲) معتقدند که وسعت تفکر افراد درباره وظایف حرفه‌ای خود به عنوان یک موضوع مهم (مرکزیت)، جالب و جذاب بودن (ظرفیت)، هماهنگی با دیگر وظایف (هماهنگی و هم‌صدایی)، معرفی خود و همکاری با دیگران در هویت حرفه‌ای از اهمیت بیشتری برخوردار است به طوری که هویت شغلی بخش مهمی از مجموعه هویت غالب افراد را تشکیل می‌دهد (دانشور، ۱۳۸۹). اریکسون معتقد است یکی از وظایف اولیه تکاملی نوجوانی، برقرار کردن یک حس هویت با توجه به دنیای مشاغل است. هویت حرفه‌ای به معنای داشتن یک تصویر منسجم، یکپارچه و روشنی از هدف‌ها، علائق و استعداد های شخصی است این خصوصیات سبب می‌شود که تصمیم‌گیری راحت‌تر و اطمینان به توانایی شخصی در رو به رویی با برخی ابهامات محیطی غیر قابل اجتناب با زحمت کمتری صورت گیرد. داشتن شغلی که ارزش اجتماعی داشته باشد و بتواند به خوبی، از عهده آن برآید اعتماد به نفس افراد را زیاد میکند و به احساس ایمنی و هویت با ثبات کمک می‌کند (نولان، ۱۳۹۵: ۱۰۵).

هارتر^۶ (۲۰۱۰) برای تفسیر جریان شکل‌گیری هویت، آن را در ۴ مرحله توضیح می‌دهد: ۱- آگاهی ارزیابی خود و شناخت انتظارات محیطی ۲- طرح ریزی (اکتشاف و جستجوی اختیارات و ساختن و شکل دادن به هدفها) ۳- تعهد ۴- تکمیل یک هویت. وی معتقد است افرادی که آگاهی بیشتری در مورد علائق، مهارت‌ها و اهدافشان دارند نسبت به همسالانی که آگاهی کمتری دارند مشکلات کمتری در مورد هویت حرفه‌ای خواهند داشت (هاشمی، امید، ۱۳۹۵: ۸۱)

حیدری و رضایی (۱۳۹۲) ابعاد هویت حرفه‌ای معلمان را اینگونه بیان کرده‌اند:

⁶ Harter

۱- صفات حرفه‌ای: انتظار بالا از خود، همکاران و یادگیرندگان؛ تعهد به پیشرفت و تندرستی همه یادگیرندگان؛ نگرش، ارزش‌ها و رفتار مثبت؛ تعهد به بهبود عمل از طریق ارزشیابی فکورانه، نوآوری و همکاری با دیگران؛ گشاده بودن نسبت به ارزش‌های مربیگری

۲- درک و دانش حرفه‌ای: پیشرفت پیوسته در دانش موضوعی و دانش پداگوژی به منظور آن که یک حرفه‌ای اثربخش باشد.

۳- مهارت‌های حرفه‌ای: کارهای مشارکتی؛ چارچوب‌های روشن برای مدیریت کلاسی؛ محیط‌های یادگیری هدفمند و ایمن؛ چارچوب‌های روشن برای تدریس، یادگیری و سنجش از طریق برنامه ریزی، درگیر شدن یادگیرندگان از همه سطوح توانایی به گونه‌ای که به میزان مناسبی پیشرفت کنند (هاشمی، امید، ۱۳۹۵: ۹۰-۱۰۱).

دی و کینگتون^۷ (۲۰۰۸) سه بعد از هویت حرفه‌ای را فهرست کرده‌اند. همراه با هر یک از ابعاد هویت، زیر هویت با هویت‌های متضاد شکل می‌گیرند که برای شناسایی ابعاد یادگیری حرفه‌ای و در تاثیر محیط فرهنگی محل کار اهمیت دارند. این ابعاد و تجزیه و تحلیل آنها برای درک اینکه موقعیت معلمان چگونه تثبیت می‌شود مهم هستند

۱- هویت حرفه‌ای: بعد حرفه‌ای نشان دهنده‌ی انتظارات اجتماعی و سیاسی از یک معلم خوب و آرمان‌های تربیتی اوست. این بعد به نفوذ سیاست و گرایش‌های اجتماعی بر آنچه یک معلم خوب را شکل می‌دهد، تاکید می‌کند. این بعد ممکن است ابعادی مانند توسعه حرفه‌ای، حجم کار، نقش‌ها، مسولیت‌ها و ... داشته باشد.

۲- هویت واقع شده در مدرسه یا کلاس درس: این بعد در بافت ویژه مدرسه واقع شده و توسط محیط اطراف تحت تاثیر قرار گرفته است. این بعد از هویت تحت تاثیر دانش آموزان، حمایت مدیر، حلقه بازخورد معلمان و زمینه شغلی بلاواسطه قرار دارد و هویت بلند مدت معلمان را شکل می‌دهد.

۳- هویت شخصی: بعد شخصی هویت در خارج از مدرسه واقع شده است و به خانواده و نقش‌های اجتماعی فرد مربوط است. باز خورد و انتظارات خانواده یا دوستان، معمولاً به منابع تنش و فشار به حس فرد از هویت خویش تبدیل می‌شود (دی و کینگتون، ۲۰۰۸)^۸.

از سوی دیگر کلاسن و همکاران (۱۹۹۹)، سه بعد از هویت حرفه‌ای را بیان کرده‌اند: جنبه اجتماعی که بر شرایط در حال تغییر در تدریس متمرکز است، جنبه شناختی که صرفاً بر فرایندها و ساختارهای اساسی تفکر و دانش معلم تاکید دارد و جنبه بیوگرافی که به دو جنبه اجتماعی و شناختی اضافه و با آنها ادغام می‌شود (امیدی، هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۲۰).

⁷ Day and Kington

⁸ Day, C. & Kington, A

در واقع تحقیق منسجمی که به بررسی سواد تربیتی و هویت حرفه‌ای معلمان پردازد، توسط محقق یافت نشد. بر این اساس تحقیق حاضر به عنوان محدود تحقیقاتی محسوب می‌شود که به بررسی متغیرهای مذکور به صورت توأمان پرداخته است. جدول ۱ به بررسی تحقیقات انجام شده پیرامون هویت حرفه‌ای و سواد تربیتی می‌پردازد.

جدول شماره ۱: تحقیقات داخلی و خارجی

ردیف	عنوان	محقق	یافته‌ها
۱	به سوی نظریه‌ای برای فرآیند شکل‌گیری هویت حرفه‌ای حسابرسان داخلی: شواهدی از ایران	مشایخی و همکاران ۱۳۹۸	نتایج نشان داد حسابرسان داخلی در مسیر شکل‌گیری هویت حرفه‌ای با این چالش اساسی یعنی تصور غلط و کلیشه‌ای از خود در سازمان روبرو بوده و تصویر اجتماعی آنها در دل و دیده‌ی سازمان مخدوش و مناقشه‌آمیز است
۲	بازنمایی مناقشات ناظر بر دو گفتمان توسعه حرفه‌ای و هویت حرفه‌ای معلم از منظر مناسبات قدرت	کهندل و همکاران ۱۳۹۷	یافته‌ها حاکی از آن است که چهار مناقشه عمده حرفه و پیشه، ساختار و عاملیت، مناقشه حرفه‌ای-گری و حرفه‌ای‌گرایی، و بوروکراسی و دموکراسی که در بستر مناسبات قدرت توانستند رشد و نمو بیشتری پیدا کنند، محلهای تأمل مهم-تری در ارتباط با دو گفتمان توسعه حرفه‌ای معلم و هویت حرفه‌ای معلم می‌باشند
۳	هویت توسعه‌روند و ها زمینه	فرجی ۱۳۹۶	نتایج نشان داد روند شکل‌گیری هویت دانشجوی معلمان دارای دو مرحله کاملاً متمایز بوده است: یک، هویت حرفه‌ای ضعیف و مبتنی بر شک و تردید و دوم، هویت حرفه‌ای نسبتاً قوی و مبتنی بر نوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی و علاقه.
۴	تأثیر تجربه تدریس در هویت حرفه‌ای	سلیمی و همکاران ۱۳۹۵	بین سالهای تدریس به عنوان شاخص تجربه با هویت گذشته، رابطه کم و مثبت، با هویت حال رابطه قوی و مثبت، و با هویت آرمانی رابطه‌ای وجود ندارد بر پایه یافته‌های این پژوهش میتوان گفت که سالهای تدریس و تجربه در بهترین حالت میتواند یکی از ابعاد هویت حرفه‌ای (هویت حال) را تحت تأثیر قرار دهد و تجربه به ضرورت نمیتواند بیانگر حرفه‌ای بودن و متغیر ارتقای هویت حرفه‌ای باشد
۵	تجربه‌های دوران تحصیل و شکل‌گیری هویت حرفه‌ای معلم	حیدری، عطاران، حسین نژاد ۱۳۹۲	نتیجه، حاکی از تأثیر عمیق تجربه‌ها بر شکل‌گیری هویت معلم است.
۶	توسعه هویت حرفه‌ای در طول تمرین معلمان در دانشکده تربیت،	ایوانووا و اسکارا، ۲۰۱۶	دانشجویان اعتراف کردند که هویت حرفه‌ای آن‌ها تا حد زیادی بر پایه تجارب حرفه‌ای و شخصی

	روانشناسی و هنر	قبلی آن هاست و تحصیل در دانشگاه به توسعه هویت حرفه ای کمک می کند
۷	بررسی رابطه بین نشانگرهای هویت حرفه‌ای معلمان	بیچاره، هافمن، بویتینک، لورنز و کنرینوس ۲۰۱۱
۸	توسعه هویت حرفه‌ای معلمان دانشجو	عواملی که میتوانند شکلگیری هویت حرفه ای را تحت تاثیر قرار دهند شامل تجارب دوران کودکی در زمان تحصیل دانش و آموخته های کسب شده در دوره های آموزشی و تجربیات شخصی استاد در جریان تدریس می باشد. در پژوهش مذکور، چهار جنبه از ۹ هویت حرفه ای استادان به نامهای جهتگیری حرفه ای وظیفه مداری، خودکارآمدی و تعهد به تدریس، ی شده است.
۹	هویت حرفه‌ای دانشجو معلمان	هویت دانشجو معلمان با تجربه شکل میگیرد که به شدت با احساسات در ارتباط است
۱۰	نقش سواد والدین و آموزش خانواده بر شیوه های فرزند پروری و تربیت دانش آموزان	نتایج بر نقش بسیار مهم خانواده به عنوان کانون مقدس، تربیت تاکید داشت
۱۱	تأثیر میزان سواد و آگاهی بر نگرش تربیتی مادران درباره تربیت اجتماعی نوجوان شهر تهران	بین میزان سواد تربیتی و آگاهی با نگرش مادران درباره تربیت فرزندان تفاوت معناداری وجود دارد
۱۲	نقش سواد والدین در عملکرد تحصیلی دانش آموزان	سواد تربیتی والدین با دقت آنان در بررسی عملکرد تحصیلی و توقعات واقع گرایانه آنها از فرزندان هم خوانی دارد

در یک جمع بندی می توان گفت، سواد تربیتی مهارتی است که نومعلمان در نقش معلمی از آن بی بهره نیستند و به واسطه ی آن به جایگاه خویشتن در نقش معلمی وقوف بیشتری می یابند. بر این اساس فرضیه اصلی تحقیق حاضر بدین گونه مطرح می شود: **بین ابعاد سواد تربیتی و هویت حرفه ای نومعلمان رابطه معنی داری دارد.**

روش

تحقیق حاضر از نوع کمی می باشد که از حیث هدف کاربردی و به لحاظ روش توصیفی- پیمایشی می باشد. جامعه آماری تحقیق، کلیه ی نومعلمان شاغل در دبیرستانهای استان لرستان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می باشند. بر اساس فرمول کوهن (حجم جامعه و واریانس نامعلوم، پرسشنامه با طیف لیکرت ۵ درجه ای، انحراف معیار آن برابر است $0/66$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد) حجم نمونه محاسباتی ۲۵۵ نفر گزارش شد که به شیوه نمونه گیری سهمیه ای و به صورت الکترونیکی، تعداد ۲۹۰ پرسشنامه توزیع شد و نهایتاً ۲۵۵ پرسشنامه برای تحلیل به محقق بازگشت. سعی شد تمامی معلمان در مدارس استعداد درخشان، عشایری، استثنایی، هیئت امنایی و دولتی در نمونه حضور داشته باشند، به طوری که گروه های مجازی برای هر منطقه ایجاد و پس از عضویت معلمان در گروه، پرسشنامه در اختیار آنان قرار گرفت. ابزار تحقیق دو پرسشنامه محقق ساخته هویت خرفه ای معلمان با ۳۴ گویه و سواد تربیتی با ۴۸ گویه در ۲ بعد نگرش و روش تربیتی دبیران به شیوه طیف لیکرت نمره گذاری شده است. پایایی پرسشنامه در بخش های مختلف با روش آلفای کرونباخ محاسبه و بیشتر از $0/7$ گزارش شد که مورد قبول می باشد روایی پرسشنامه به روش روایی صوری و محتوایی بررسی شده است. داده های حاصل از پاسخگویی نومعلمان با نرم افزار SPSS21 در دو بخش توصیفی و استنباطی تحلیل شده است که در بخش توصیفی به گرایش مرکزی و پراکندگی و توزیع فراوانی متغیرهای تحقیق پرداخته شد و در بخش استنباطی با بهره گیری از آزمون همبستگی و تحلیل مسیر به رابطه ی متغیرهای تحقیق پرداخته می شود.

یافته ها

نومعلمان مورد بررسی حدود ۶۸ درصد زن و ۳۲ درصد را مردان تشکیل داده، که بیشترین آنان سابقه کاری ۱ سال را دارا می باشند که توزیع یکسانی در پایه های شش گانه متوسطه داشته اند.

جدول ۲: شاخص های مرکزی و پراکندگی متغیرهای تحقیق

متغیر	مولفه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه نمره	بیشینه نمره	
هویت خرفه ای	در نظر گرفتن خود به عنوان یک معلم	۲۵۵	۲/۲۳	۰/۷	۱	۵	
	اطمینان به معلم خوب بودن	۲۵۵	۲/۹۴	۰/۷	۱	۵	
	فعالیت کردن به عنوان یک معلم	۲۵۵	۳/۲	۰/۵۵	۲	۵	
سواد تربیتی	نگرش تربیتی	باورها و اعتقادات	۲۵۵	۳/۸۹	۰/۵	۱	۵
		اهداف و آرمان	۲۵۵	۳	۰/۵	۱	۵
		مسئولیت پذیری	۲۵۵	۲/۹	۰/۵	۱	۴
	آشناسازی دانش	هویت ملی-مذهبی	۲۵۵	۲/۶	۰/۳	۱	۴
		حقوق اجتماعی-مدنی	۲۵۵	۲/۹	۰/۵	۱	۴
		آشناسازی دانش	۲۵۵	۲/۹	۰/۴	۱	۴
		آشناسازی با مذهب	۲۵۵	۳/۸	۰/۵	۱	۴

۵	۱	۰/۴۶	۴	۲۵۵	برخورد با دانش آموزان خاطی	روش
۴	۱	۰/۶۵	۳/۲۲	۲۵۵	اهمیت به تفاوت‌های فردی	تربیتی
۵	۱	۰/۵	۲/۹	۲۵۵	ایجاد روحیه همکاری	
۴	۱	۰/۵	۳/۸۵	۲۵۵	استفاده از روش های سخت افزاری	
۵	۱	۰/۷۸	۴	۲۵۵	استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه فعالیت	

جدول شماره ۲ گویای آن است که در تمامی ابعاد متغیرهای هویت حرفه ای و سواد تربیتی، نومعلمان در اکثر ابعاد میانگین نمره در حد متوسط (۳) را کسب نموده اند. در مولفه های برخورد با دانش آموزان خاطی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه فعالیت میانگین در حد زیاد است و ابعاد ایجاد روحیه همکاری، مسئولیت پذیری، هویت ملی-مذهبی، حقوق اجتماعی-مدنی، آشناسازی دانش مربوط به متغیر سواد تربیتی در حد کمتر از متوسط است و مولفه های در نظر گرفتن خود به عنوان یک معلم و اطمینان به معلم خوب بودن از هویت حرفه ای نو معلمان در حد پایینتر از متوسط است.

بین ابعاد سواد تربیتی با هویت حرفه‌ای نومعلمان رابطه معنی داری دارد.

جهت آزمون فرضیه و ارائه مدل مسیر از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد ابعاد سواد تربیتی با هویت حرفه‌ای معلمان رابطه معنی داری دارد.

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون

متغیر	مولفه	تعداد	نگرش تربیتی		روش تربیتی	
			همبستگی	سطح معنی داری	همبستگی	سطح معنی داری
هویت حرفه ای	در نظر گرفتن خود به عنوان یک معلم	۲۵۵	۰/۶۳	۰/۰۰۰	۰/۷۲	۰/۰۰۰
	اطمینان به معلم خوب بودن	۲۵۵	۰/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۷۶	۰/۰۰۰
	فعالیت کردن به عنوان یک معلم	۲۵۵	۰/۵۱	۰/۰۰۰	۰/۶۳	۰/۰۰۰

$P < 0.05$

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد بین ابعاد سواد تربیتی با ابعاد هویت حرفه ای نومعلمان رابطه معنی داری وجود دارد. این همبستگی در سطح متوسط و بالایی است. نتایج نشان می‌دهد روش تربیتی معلمان همبستگی بالایی با اطمینان به معلم خوب بودن دارد بطوریکه حدود ۵۸ درصد از تغییرات هویت حرفه ای با این متغیر تبیین می‌شود. پس از آن روش تربیتی نو معلمان با در نظر گرفتن خود به عنوان یک معلم همبستگی قابل توجهی دارد بطوریکه ۵۲ درصد از تغییرات هویت حرفه ای با این متغیر تبیین می‌شود. در مجموع می‌توان گفت بیش از ۳۸ درصد از تغییرات هویت حرفه ای نو معلمان توسط نگرش تربیتی و حدود ۵۰ درصد تغییرات هویت حرفه ای نومعلمان توسط متغیر روش تربیتی تبیین می‌شود.

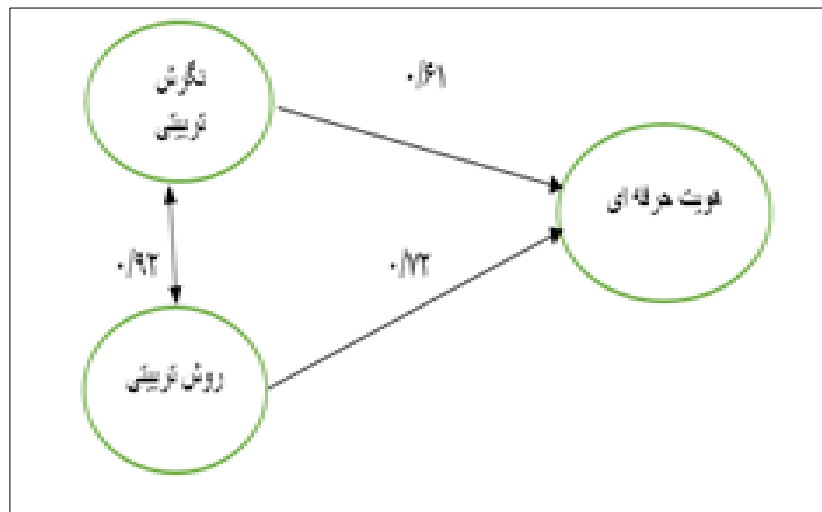
در یک جمع‌بندی می‌توان نتیجه گرفت بیش از ۴۳ درصد از تغییرات هویت حرفه‌ای نو معلمان، توسط سواد تربیتی آنان تبیین می‌شود.

به منظور دستیابی به تصویر روشنتری از هویت حرفه‌ای نو معلمان مبادرت به انجام تحلیل رگرسیون می‌شود.

جدول شماره ۴: تحلیل رگرسیون

	SIG	T	BETA	B	SIG	F	
نگرش تربیتی	۰/۰۰۰	۴/۵۵	۰/۶۱	۰/۹۸۵	۰/۰۰۰	۲۰/۷۴	
روش تربیتی	۰/۰۰۰	۵/۹۷	۰/۷۲	۱/۲۶	۰/۰۰۰	۲۷/۷۴	

بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس در جدول شماره ۴، نشان می‌دهد که مقدار F و سطح معنی‌داری در هر دو بعد سواد تربیتی آن برابر با $\text{Sig.} = ۰/۰۰۰$ می‌باشد، بنابراین فرض وجود رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تأیید می‌شود و با احتمال ۹۵٪ اطمینان می‌توان معنی‌دار بودن رابطه را تأیید می‌شود. برای پی‌بردن به مقدار تأثیر هر یک از ابعاد سواد تربیتی بر هویت حرفه‌ای نو معلمان از آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد که نتایج نشان می‌دهد اولین بعد موثر بر هویت حرفه‌ای نو معلمان، روش تربیتی و دومین متغیر، بعد نگرشی سواد تربیتی می‌باشد.



$$Y = ۷/۳۳ + ۰/۶۱(\text{نگرش تربیتی}) + ۰/۷۲(\text{روش تربیتی})$$

نتیجه‌گیری

زندگی معلم یک مسئله مهم برای سیاستهای آموزشی است چرا که آنها نیاز به سلامت ذهنی، عاطفی، اجتماعی به منظور ارائه کار با کیفیت در آموزش و پرورش در جهت نسل آینده دارند. کیفیت خدمات آموزشی که عمدتاً از معلمین تاثیر می‌پذیرد می‌تواند یک اشتغال ذهنی برای سازمانهای آموزشی باشد بنابراین یکی از راهکارهای پیش رو جهت بهبود وضعیت آموزشی در مدارس به عنوان نهادی تاثیرگذار در پیشرفت جامعه، توجه به هویت حرفه‌ای معلمان مدارس است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد هویت نومعلمان شرکت‌کننده در تحقیق در سطح متوسط و کمتر از آن است. این بدان معناست که آموزش و پرورش در حد ایده آل نمی‌باشد. طبیعتاً نهاد پرورشی ما به معلمانی حرفه‌ای، خلاق و علاقمند، صبور، و متعهد به سازمان و مسلط به انواع مهارتهای تربیتی نیاز داریم؛ تغییرات عمیق صورت گرفته در ساختارهای تربیتی، برنامه‌های درسی و جمعیت فراگیران، هویت حرفه‌ای معلمان را دچار بحران نموده است. فقدان صلاحیتهای مرتبط برای مواجهه با این موقعیتهای جدید باعث شده که بسیاری از نو معلمان هویت حرفه‌ای خود را در تنگنا ببینند. علاوه بر این فشارهای داخلی برای پذیرفتن مسئولیتهای جدید توسط آنها، بین معلومات و دانش قبلی آنها فاصله انداخته و بحران هویت را عمیقتر و بیشتر نموده است. بنابراین هویت حرفه‌ای نومعلمان نیاز مبرم به بازسازی مجدد دارد. و این پژوهش به دنبال تدوین توسعه هویت حرفه‌ای نو معلمان تدوین گردید. اسکینز و ولر (۲۰۱۵) نشان می‌دهند حساسیتهای تربیتی معلمان بعنوان یک عمل درونی بسیار قوی در رشد مطلوب هویت حرفه‌ای معلمان دارد. بطوریکه رشد هویت حرفه‌ای به منش و مولفه‌های درونی معلمان، بعنوان عاملی قوی نیازمند است که در تحقیق حاضر با عنوان نگرش تربیتی مطرح شده است. در حالت کلی امر تربیت در جامعه ما به نظر امری تصادفی است و بزرگسالان ما اهمیت چندانی به آن نمیدهند؛ چرا که نقش تربیت در نهادهای رسمی، غیر رسمی و خانوادگی چندگانه است؛ بنابراین به نظر میرسد که یکدست نبودن سیاستهای تربیتی در کل جامعه سبب کم توجهی به این امر شده و به آن میزانی که به مباحث سواد علمی پرداخته می‌شود، از سواد تربیتی غفلت می‌گردد؛ اما در هر صورت داشت سواد تربیتی به آن دلیل اهمیت دارد که تحول هر جامعه‌ای در گرو تحول در نظام تعلیم و تربیت آن جامعه است و این امر تنها زمانی میسر خواهد شد که کارگزاران اصلی آن یعنی معلمان جامعه از شایستگیها و توانمندی‌های لازم برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه برخوردار باشند. این یافته‌ها با نتایج پژوهشهای طالب زاده و همکاران (۱۳۹۱)، تاج آبادی و همکاران (۱۳۹۴) و فینستین (۲۰۰۶)، مبنی بر اینکه داشتن سواد تربیتی در تربیت فرزندان اهمیت زیادی دارد، همخوانی دارد.

این پژوهش نشان داد که تعالیم و آموزشهای دانشگاهی به عنوان پرورش دهندگان نومعلمان مورد بررسی نقش مهمی در توسعه هویت حرفه‌ای معلمان نداشته است همچنین ارتقای سواد تربیتی آنان توسط

آموزشهای ارائه شده، انجام نشده است. بنابر این در این راستا، لزوم بازنگری در سیاست ها و برنامه ریزی های درسی مبتنی بر تغییر نگرش تربیتی و آموزش روشهای تربیتی جهت افزایش سواد تربیتی معلمان و بازنگری در جذب نیروهای آموزشی بیشتر از گذشته نمایان می شود. همچنین پیشنهاد می شود در تحقیقی فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب هویت حرفه ای نو معلمان و معلمان را مشخص نموده و به آسیب شناسی نظام هویتی معلمان پرداخته شود و در آخر به دلیل مطالعات حداقلی پیرامون سواد تربیتی، پیشنهاد می شود متغیر مذکور از حیث چیستی و چرایی مورد ارزیابی و بررسی دقیقتری قرار گیرد.

منابع

- احمدی، علی اصغری (۱۳۹۶) اصول تربیت، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- القرایی، خلیلی (۱۳۹۸) فلسفه تعلیم و تربیت و آرای تربیتی. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- تاج آبادی، جعفر، کارگران مروس، طیبه (۱۳۹۴). نقش سواد والدین و آموزش خانواده بر شیوه های فرزند پروری و تربیت دانش آموزان. همایش بین المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی.
- دانشمند، علیرضا (۱۳۹۸) تربیت و دیدگاههای تربیتی، قم: نشر قائم.
- سیف، علی اکبر (۱۳۹۳) روانشناسی تربیتی، تهران: انتشارات پیام نور.
- شریعتمداری، علی (۱۳۹۵) اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: نشر امیرکبیر.
- طالب زاده نوبریان، محسن، کاظمی، اکرم، موسوی، سیدحسین (۱۳۹۱) تاثیر میزان سواد و آگاهی بر نگرش تربیتی مادران (درباره تربیت اجتماعی نوجوانان شهر تهران، مجله مطالعات، روانشناسی تربیتی، دوره ۹، شماره ۱۵
- علی سلیمی، اسماعیل؛ مصطفائی علائی، مهناز و نجارباغسیاه، رسول (۱۳۹۵) هویت حرفه ای گذشته، حال، و آرمانی معلمان زبان انگلیسی: سنجش تاثیر تجربه تدریس بر هویت حرفه ای پژوهش های زبانشناختی در زبان های خارجی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۳۰۳-۳۲۰
- عظیمی، فرنوش (۱۳۹۸) آموزش خدمات کتابخانه ای و مهارت های سواد اطلاعاتی (ویژه دانشجویان علوم تربیتی)، تهران: نشر چاپار
- قدرتفر، زهرا (۱۳۹۵) بررسی عوامل سازمانی و روانشناختی موثر بر هویت حرفهای معلمان ابتدائی شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور شیراز.
- قهرمانی فرد، کامیار، عباس زاده، میرمحمد (۱۳۹۷) طراحی و اعتباربخشی مدل بومی استانداردهای حرفهای معلمان دوره دوم متوسطه (مطالعه ای آمیخته با جنبه های کیفی و کاربرد تکنیک دلفی)، مجله مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۱۱۸-۱۳۱.
- کاردان، علی محمد، اعرافی، علیرضا (۱۳۹۸) درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات سمت

- کوتگ، جرالده (۱۳۹۰) مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، ترجمه محمد جعفر پاک سرشت، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم. ۱۵
- کهندل، مرضیه؛ کرمی، مرتضی؛ آهنچیان، محمدرضا و مهر محمدی (۱۳۹۷) بازنمایی مناقشات ناظر بر دو گفتمان توسعه حرفه‌ای و هویت حرفه‌ای معلم از منظر مناسبات قدرت. پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، دوره ۱۸، شماره ۲: صص ۱۰۳-۱۲۲.
- مشایخی، بیتا؛ نوروش، ایرج؛ حجازی، رضوان و مؤمنی یانسری، ابوالفضل (۱۳۹۸) به سوی نظریه‌ای برای فرآیند شکلگیری هویت حرفه‌ای حسابرسان داخلی: شواهدی از ایران. فصل نامه دانش حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۸، شماره ۲۹.
- منادی، مرتضی (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش "انتشارات آوای نور، تهران.
- نولان، جیمز، هوور، لیندا (۱۳۹۵) نظارت آموزشی و ارزشیابی عملکرد معلم (نظریه و عمل)، ترجمه بیژن عبدالکریمی، تهران: دانشگاه خوارزمی، چاپ دوم.
- هاشمی، سید احمد، امید، جمشید (۱۳۹۵) هویت حرفه‌ای معلمان: (اصول و راهکارها)، تهران: انتشارات تایماز.

- Beijaard, D., Meijer, P.C. & Verloop, N. (2011). Reconsidering research on teacher's professional identity. *Teaching and Teacher Education*, 20(2), 107-128.
- Day, C. & Kington, A. (2008). Identity, well-being and effectiveness: The emotional contexts of teaching. *Pedagogy, Culture & Society*, 16(1), 7-23
- Feinsteinl & Sabates Ricardo. (2006). Does education have an impact on mothers' educational attitude or behaviors? *Journal of consulting and psychology*. (5), 1926 - 1930.
- Korthagen, F. A. J., & Vasalos, A. (2005). Levels in reflection : Core reflection as a means to enhance professional growth. *Teachers and Teaching*, 11(1), 47_71.
- Ivanova, I. & Micane, R. S. (2016). Development of Professional Identity during Teacher's Practice, University of Latvia, 19 Raina Blvd., Riga LV-1587, Latvia.
- Lamote, C. & Engels, N. (2010). The development of student teachers' professional identity. *European Journal of Teacher Education*, 33(1), 3-18.
- Olsen, B. (2011). "I am large, I contain multitudes": Teacher identity as a useful frame for research, practice, and diversity in teacher education. Lanham, MA: Littlefield.
- Sternberg Liisa; Pitkaniemi, Harri & Maaranen, Katriina, K. K. (2014). Beginning student teachers' teacher identities based on their practical theories. *European Journal of Teacher Education*, 37(2), 16.
- Street Day, 2018, The right to literacy and cultural change: Zulu adolescents in post-apartheid rural South Africa, *Cognitive Development*, January-March.
- Tickle, L. (2003). *Teacher induction: The way ahead*. Buckingham, Philadelphia: Open University Press.
- Timoššuk, I., & Ugaste, A. (2010). Student teachers' professional identity. *Teaching and teacher education*, 26(8), 1563-1570.

Explain the relationship between upbringing literacy and the professional identity of Beginning Teachers

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between upbringing literacy and the professional identity of Beginning Teachers in Lorestan province. This research is applied in terms of purpose and survey in terms of collections. The statistical population of the present study included all Beginning Teachers in Lorestan province, which was determined using Cochran's formula to determine the sample size of 255 people. The statistical sample was selected by quota sampling from different educational areas in the province. To collect statistical data, researcher-made questionnaires of professional identity and upbringing literacy in two dimensions of attitude and upbringing method with face validity and acceptable content and reliability above 0.70 were used. SPSS software was used to analyze the statistical data. The findings showed; The average score of Beginning Teachers in all dimensions of professional identity and upbringing literacy was moderate. dealing with delinquent students and the use of information and communication technology on average to a large extent and in relation to the dimensions of creating a spirit of cooperation, responsibility, national-religious identity, social-civil rights, knowledge of upbringing literacy variable from the average They had less than average .considering oneself as a teacher and assuring oneself of being a good teacher were lower than average for teachers' new professional identities.. It can be concluded that the need to review policies and curricula based on changing upbringing attitudes and teaching upbringing methods to increase the upbringing literacy of teachers and reconsider the recruitment of teaching staff is more than ever.

Keywords: Professional identity. upbringing literacy. Beginning Teachers. Lorestan province.